



درس خارج اصول آیت الله اراکی دامت برکاته

عنوان درس:	خارج اصول فقه	جلسه ۶۴	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۱/۱۸
عنوان فرعی ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات			
عنوان فرعی ۲	مباحث قطع			
عنوان فرعی ۳	تقسیم قطع موضوعی به لحاظ متعلق			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

بحث ما در روش‌های حل اشکال دور در اخذ علم به حکم در موضوع همان حکم بود. روش اولی را که در بیانات استاد شهید آمده بود را بیان کردیم و گفتیم با مبانی میرزای نائینی سازگار است که آن اخذ علم به جعل، در موضوع مجعول بود. بر این وجه ایراد وارد کردیم که خلاصه ایراد این بود که جعل و مجعول، متحدند واقعاً، و تعددشان به اعتبار است، یعنی هنگامی حکم را به فاعل حکم نسبت می‌دهیم از آن به جعل تعبیر می‌کنیم؛ و هنگامی که آن را به قابل نسبت دهیم، از آن به مجعول تعبیر می‌کنیم؛ لذا با اخذ جعل در موضوع مجعول نمی‌توان از اشکال دور خلاص شد. روش دوم روشی بود که گفتیم روش صحیح است و روش مختار ماست و بنده ندیدم این روش را کسی مطرح کند که خلاصه آن چنین بود که فرض علم به حکم در موضوع حکم اخذ شود و بگوید: «ان علمت بحکمی، فهو واجب علیک» که علم مقدر الوجود در اینجا در موضوع خود حکم اخذ می‌شود و گفتیم فرض العلم بالحکم، متوقف بر حکم نیست؛ لذا اخذ آن در حکم دوری ایجاد نمی‌کند.

روش سوم در حل اشکال دور:

بحث امروز در وجه سوم است که این وجه نیز در بیانات استاد شهید صدر آمده است که حاصل آن، چنین است که علم به ابراز حکم، در موضوع حکم اخذ شود؛ نه علم به خود حکم؛ لذا دور منتفی خواهد شد؛ زیرا هنگامی که علم به موضوع حکم، در موضوع حکم اخذ شود، آنچه حکم بر آن توقف دارد، علم به ابراز است. زیرا علم به ابراز حکم در موضوع حکم اخذ شده _ ، و آنچه علم بر آن توقف دارد، ابراز حکم است نه خود حکم.

در تقریرات درس استاد شهید این مطلب به صورت مختصر و گذار بیان شده است:

«أن يؤخذ العلم بإبراز الحكم شرطاً في الحكم، كما يتفق ذلك في الموالى العرفية، فيقول المولى العطشان

مثلاً: من سمع كلامي فليأتني بماء. وهذا الوجه لا حاجة فيه إلى تصوير تعدد الجعل والمجعل»^۱؛

ایشان مثالی بیان می‌دارند و می‌فرمایند اینگونه اخذ علم به ابراز حکم، در حکم در بین موالی عرفی نیز متعارف است مانند اینکه مولایی که تشنه است بگوید: «من سمع كلامي فليأتني بماء». و می‌فرماید این وجه با فرض اتحاد جعل و مجعول نیز این وجه جاری است.

اشکال بر این روش

به نظر ما صدور این مطلب از استاد شهید غریب است زیرا این وجه واضح البطلان است. برای تبیین اشکال این وجه، مطلب را در سه بند بیان می‌کنیم:

۱. اگر مراد از این تقریب این است که با همان قضیه‌ای که در آن علم به ابراز حکم در موضوع حکم قرار می‌گیرد، جعل حکم انجام شود، یعنی بگوید «ان علمت بابرار حکمي بالوجوب، فهو واجب» و با همین بخواهد حکم را جعل کند؛

باید گفت که این دور است؛ زیرا حکم متوقف بر ابراز حکم خواهد بود – زیرا در موضوع آن اخذ شده – و از طرفی علم به ابراز حکم نیز متوقف بر حکم است؛ زیرا علم به ابراز، متوقف بر ابراز است – و تا ابرازی نباشد که علمی تحقق پیدا نمی‌کند – و ابراز حکم نیز متوقف بر خود حکم است و اگر حکمی نباشد، چه ابراز می‌شود؟ بنابراین در اینجا با یک واسطه، دور اتفاق می‌افتد.

۲. اگر مراد این باشد که مولا ابتدا حکم خویش را بدون اخذ علم در موضوع آن جعل می‌کند و می‌گوید: «اقیموا الصلاة» و بعد می‌گوید: «ان علمت بابرار حکمي، فهو عليك واجب»؛ که در این صورت این حکم، متوقف بر علم به ابراز نخواهد بود؛

باید گفت این وجه مشکل را حل می‌کند اما این وجه تعدد جعل ایجاد می‌کند و خارج از فرض بحث ما است و ما در جایی بحث می‌کنیم که علم به حکم، در موضوع همان حکم اخذ شود، نه در موضوع حکم دیگر و الا در اخذ علم به حکم در موضوع حکم دیگری که اصلاً ما نیازی به اخذ ابراز نیز نداریم بلکه خود حکم ابتدا جعل می‌شود و سپس در موضوع حکم دیگر قرار می‌گیرد و دوری لازم نمی‌آید.

۳. مثالی که ایشان بیان کردند و فرمودند مولای عرفی عطشان چنین بگوید «من سمع كلامي فليأتني بماء»؛ آیا با این جمله حکم جعل می‌شود؟ که اگر با این جمله بخواهد حکم جعل شود و جعل سابقی وجود نداشته باشد، که باز برگشتش به دور است زیرا برگشت این «من سمع كلامي» به «من سمع بحکمي هذا» است؛ زیرا از طرفی «فليأتني بماء» متوقف بر سماع الحکم است – زیرا سماع الحکم در موضوع آن حکم

۱. مباحث الاصول؛ ج ۱، ص ۴۱۵.

اخذ شده _ و از طرفی سماع الحکم متوقف بر «فلیأتی بماء» است؛ زیرا تا حکم به «فلیأتی بماء» وجود نداشته نباشد، سماع الحکم وجود نخواهد داشت؛ مگر اینکه بگویید ابتدا شارع «فلیأتی بماء» را جعل می‌کند بدون اینکه در آن، علم به ابراز حکم اخذ شده باشد و سپس این جمله را می‌گوید؛ که این خلاف فرض است و اخذ علم به حکم در همان حکم نیست.